

به نام خدا

# نگاه اجمالی به دیدگاه شیخ بهایی در باب معرفت نفس و خداشناسی

مؤلف :

دکتر سید علی اکبر فاطمی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: فاطمی، سید علی اکبر، ۱۳۶۳  
عنوان و نام پدیدآور: نگاه اجمالی به دیدگاه شیخ بهایی در باب معرفت نفس و  
خداشناسی / مولف سید علی اکبر فاطمی.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۵۹ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۴۱۷-۰  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: شیخ بهایی - معرفت نفس - خداشناسی  
رده بندی کنگره: PN۲۲۵۲  
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۳۱۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۹۶۲  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نگاه اجمالی به دیدگاه شیخ بهایی در باب معرفت نفس و خداشناسی

مولف: دکتر سید علی اکبر فاطمی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیرجد

قیمت: ۲۵۹۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۴۱۷-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

---

۷.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول : زندگینامه شیخ بهائی
۱۵.....	۱-۱. نام و کنیه شیخ بهائی
۱۵.....	۲-۱. ولادت شیخ بهائی
۱۶.....	۳-۱. مهاجرت شیخ بهائی
۱۷.....	۴-۱. تحصیلات شیخ
۱۷.....	۵-۱. استادان او
۱۹.....	۶-۱. شاگردان او
۲۳.....	۷-۱. بعضی از کارها که به شیخ بهائی نسبت داده شده است
۲۵.....	۸-۱. آثار شیخ
۲۵.....	۱-۸-۱. ادبیات فارسی
۲۶.....	۲-۸-۱. ادبیات عرب
۲۷.....	۳-۸-۱. ادعیه
۲۷.....	۴-۸-۱. اصول و فقه
۳۱.....	۵-۸-۱. تاریخ
۳۱.....	۶-۸-۱. حدیث
۳۱.....	۷-۸-۱. رجال و درایه
۳۲.....	۸-۸-۱. ریاضی

- ۳۳ ..... ۹-۸-۱. طب
- ۳۳ ..... ۱۰-۸-۱. علوم غریبه
- ۳۳ ..... ۱۱-۸-۱. فالنامه
- ۳۳ ..... ۱۲-۸-۱. فلسفه
- ۳۴ ..... ۱۳-۸-۱. قرآن و تفسیر
- ۳۵ ..... ۱۴-۸-۱. کلام و عقاید
- ۳۶ ..... ۱۵-۸-۱. متفرقه
- ۳۶ ..... ۱۶-۸-۱. معانی بیان
- ۳۷ ..... ۱۷-۸-۱. نحو
- ۳۷ ..... ۱۸-۸-۱. هیئت و نجوم
- ۳۸ ..... ۱۹-۸-۱. اجازات
- ۴۶ ..... ۲۰-۸-۱. بعضی آثار منسوب و مجعول به شیخ بهائی

## فصل دوم: معنای نفس ..... ۴۷

- ۴۹ ..... ۱-۲. معنای لغوی نفس
- ۵۱ ..... ۲-۲. تعریف اصطلاحی نفس
- ۵۱ ..... ۳-۲. معنای نفس در قرآن
- ۵۶ ..... ۴-۲. معنای نفس نزد حکماء

## فصل سوم: معرفت شناسی ..... ۵۹

- ۶۱ ..... ۱-۳. فلسفه در نگاه شیخ بهائی
- ۶۵ ..... ۱-۱-۳. مخالفت شیخ بهائی با فلسفه
- ۷۸ ..... ۲-۳. معرفت نفس از نگاه شیخ بهائی
- ۸۳ ..... ۳-۳. تقسیم نفس به نباتی، حیوانی، انسانی و فلکی

- ۳-۴. انواع نفس ..... ۹۲
- ۳-۵. اوصاف نفس ..... ۹۷
- ۳-۶. خلق نفوس قبل از ابدان ..... ۹۹
- ۳-۷. مغایرت نفس با بدن ..... ۱۰۷
- ۳-۸. تجرّد نفس ..... ۱۱۸
- ۳-۹. عقل ..... ۱۲۳
- ۳-۹-۱. تقسیم عقل انسان به عقل عزیزی و عقل مستفاد ..... ۱۲۷
- ۳-۹-۲. تاثیر عقل و رسول در معرفت نفس ..... ۱۳۱
- ۳-۱۰. سلوک نفس ..... ۱۳۵
- ۳-۱۱. نقش تزکیه و ریاضت نفس در سیر صعودی و معرفت نفس ..... ۱۴۱
- ۳-۱۲. نقش جهاد نفس در معرفت نفس ..... ۱۴۷
- ۳-۱۳. علم ..... ۱۵۱
- ۳-۱۴. نحوه ادراک نفس ..... ۱۵۵
- ۳-۱۵. مراتب انسان‌ها در کسب علم ..... ۱۶۳

## فصل چهارم : خداشناسی ..... ۱۶۷

- ۴-۱. توحید ..... ۱۷۵
- ۴-۲. مراتب توحید ..... ۱۷۶
- ۴-۳. صفات ثبوتی و سلبی ..... ۱۸۰
- ۴-۴. تقسیم‌بندی صفات خداوند نزد مردم ..... ۱۸۲
- ۴-۵. صفات ثبوتی ..... ۱۸۳
- ۴-۵-۱. علم ..... ۱۸۳
- ۴-۵-۲. قدرت ..... ۱۸۸

۱۹۰	..... رحمت .۳-۵-۴
۱۹۲	..... کریم .۴-۵-۴
۱۹۵	..... حیّ و قیومیت .۵-۵-۴
۱۹۸	..... کلام .۶-۵-۴
۲۰۱	..... صفات سلبی .۶-۴
۲۰۶	..... شناخت خدا .۷-۴
۲۰۷	..... مراتب شناخت خدا .۸-۴
۲۰۹	..... شناخت سلبی خداوند .۹-۴
۲۱۴	..... شناخت خدا از طریق تزکیه نفس .۱۰-۴

### فصل پنجم: نقدی بر آراء شیخ بهائی در باب معرفت نفس و خداشناسی

۲۲۱	.....
۲۲۵	..... ۱-۵ بررسی معرفت نفس شیخ بهائی
۲۲۶	..... ۱-۱-۵ وجه اشتراک حکماء و شیخ بهائی در معرفت نفس
۲۳۳	..... ۲-۱-۵ وجه اختلاف حکماء و شیخ بهائی در معرفت نفس
۲۳۶	..... ۳-۱-۵ نقدی به شیخ بهائی در باب معرفت نفس
۲۴۲	..... ۲-۵ نقدی بر خداشناسی شیخ بهائی

فهرست منابع و مآخذ ..... ۲۵۳

## مقدمه

موجودات جاندار در طبیعت تک بعدی نیستند به این معنی که آنها تنها در جسم خلاصه نمی‌شوند و دارای یک حقیقت پنهانند. پنهان به این معنی که امری است متافیزیکی و غیر مادی اما این حقیقت متافیزیکی در موجودات به انحاء مختلف و ویژگی‌های متفاوت بروز می‌کند.

در میان اجسام دسته‌ای را می‌بینیم که تغذیه و تولید مثل و حرکت به اراده دارند و این امور برای این دسته اجسام، از جهت جسم بودن نیست و گرنه باید همه اجسام در این خواص شریک باشند. پس ناچار در ذات این اجسام، برای این کارها مبادی دیگر هست و بالجمله آنچه مبدأ صدور کارهایی است که پیوسته به یک نهج نیست.

در نوعی از موجودات همچون گیاهان، تنها برای رشد و نمو جلوه می‌کند و در بعضی دیگر علاوه بر این، به آنها توانایی حرکت ارادی و درک جزئیات را داده و در گروه دیگر موجودات براساس فکر و تعقل اداره می‌شوند. یکی از امتیازاتی که انسان را از تمام مخلوقات متمایز می‌سازد، مسأله شناخت و درک او نسبت به جهان پیرامون خود می‌باشد. شناخت او از جهان خارج به سبب وجود انگیزه‌ای است که از درون او سرچشمه می‌گیرد و عاملی به نام کنجکاوی را در او به وجود می‌آورد که می‌خواهد جهان پیرامون خود را دقیقاً مورد

بررسی قرار دهد. یکی از این محیط‌هایی که همواره مد نظر و مورد شناسایی انسان بوده، خود انسان می‌باشد. به عبارتی دیگر انسان همواره در طول تاریخ علمی بشر، به عنوان مسأله و موضوعی برای مطالعه بوده و انسان همواره سعی داشته است که خود را بشناسد. انگیزه‌ای که کنجکاوی انسان را برای شناخت خود تحریک نموده است وجود عوامل پیچیده‌ای چون روح، نفس و... می‌باشد. این انگیزه او را تحریک نموده است تا خود را از این بُعد بیشتر و بهتر بشناسد. انسان همواره جسم خود را با تکیه بر ابزارهایی بسیار دقیق مورد شناسایی قرار داده اما هنوز ابزاری نتوانسته نفس آدمی را مورد کنکاش قرار دهد. این حقیقت پنهان متافیزیکی که به اصطلاحات و تعابیر متفاوتی همچون روح، نفس، جان و... از آن یاد می‌شود، دارای مراتب و درجات است.

از آنجا که موجودات زیادی با نفوس متعدد وجود دارند اما موجودی که مافوق همه آن‌ها و به عنوان اشرف مخلوقات از آن یاد شده است، دارای شگفتی عظیم می‌باشد. فیلسوفان الهی از دیر باز با تکیه بر صفات و خواصی که در انسان‌ها هست اما ماده‌ی مطلق نیست، برای انسان‌ها جنبه‌ای غیر مادی ثابت کرده‌اند و وجودش در این موجودات با وجودش در سایر موجودات تفاوتی فاحش دارد. این وجود غیر مادی را حکیمان «نفس ناطقه» نام نهاده‌اند.

از طرفی این موجودات بی‌شک دارای علت می‌باشند که تمام ماسواالله را خلق کرده باشد. با براهین مختلفی از جمله برهان صدیقین، صرف الوجود، امکان اشرف و... می‌توان وجود چنین موجودی را اثبات کرده حکماء به این موجود، واجب‌الوجود گفته و تمام اوصاف او را کامل و ذاتی او می‌دانند.

حال بیان این مسأله که انسان توانایی شناخت خود را دارد یا نه و از طرفی شناخت واجب‌الوجود به چه نحوی است، یکی از بزرگ‌ترین سؤالات حکماء بلکه جامعه بشری است. شناخت نفس از جایگاه بالایی برخوردار است و بهترین راه برای شناخت خداوند، شناخت نفس می‌باشد. چنانچه حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». نفس انسان دارای مراتبی است که انسان را موجودی ذو مراتب کرده است. شناخت نفس انسان به عنوان یک موضوع اصلی دارای اهمیت فراوانی است چرا که منجر به شناخت خداوند می‌شود.

عالی‌ترین و کامل‌ترین نفس در انسان بوده، که در انسان نیز دارای درجات متفاوتی است. هر انسان حقایق و هستی‌های خارجی را به وسیله ادراکات مختلف و از طریق حواس گوناگون احساس می‌نماید. اما اگر در وجود نفس خویش تأمل نماید، قهراً به این نکته خواهد رسید که در وجود او حقیقتی است که آن را بی‌واسطه و به طور مستقیم در می‌یابد. این حقیقت که منشأ ادراکات و احساسات مختلف است «نفس» نام دارد. اساس و پایه ذات و شخصیت انسان همین نفس است که تنها خاصیت آن در یافتن است، برای این که آدمی می‌تواند خود را از قید جسم و علایق جسمانی و همچنین از ادراکات آزاد سازد ولی نمی‌تواند خود را از نفس خویش دور و مجرد کند و لحظه‌ای نمی‌تواند از آن غافل باشد یا در وجود آن تردید نماید زیرا هم اعمال و ادراکات و هم تمام آثاری که بر وجود او مترتب است، همه گواهی صادقی است بر وجود نفس او. انسان هنوز به حقیقت خود معرفتی صادق و یقینی حاصل نکرده است. نفس

منبع افکار روشن و آشکار است ولی درباره خود تا حد زیادی اندیشه‌اش آمیخته به ابهام است. با وجود این همواره برای ادراک کنه ذات خود از هیچ تلاش و تکاپو باز نمی‌ایستد چرا که معرفت نفس نردبان شناخت خدای سبحان است. بنابراین در معرفت ذات حق و در شناخت وصف ذاتی وی و هم در آگاهی در صفت فعل او، از شناخت ذات و صفت و فعل نفس استمداد می‌شود.

نکته مهم دیگر، خالق نفس است چه کسی عالم مخلوقات را خلق کرده است؟ بی‌شک هستی دارای مبدایی است که از آن شروع می‌شود و دارای ماده‌ای است که به آن باز می‌گردد. آغاز آن بعد از ذات واجب تعالی، مرتبه عقول است که از عقل اول شروع شده و به عقل فعال ختم می‌شود. بعد از مرتبه عقول مرتبه نفوس است که از نفس فلک الافلاک آغاز و به نفس فلک ادنی خاتمه می‌یابد. بعد از مرتبه نفوس، مرتبه صور است که از صورت فلک اعلی آغاز شده و با صور عناصر پایان می‌یابد. بعد از مرتبه صور، مرتبه هیولاهای است که از هیولای فلک اعلی آغاز شده به هیولای مشترک عنصری پایان می‌پذیرد. مراتب بازگشت به کمال نیز نخستین مرتبه آن مرتبه اجسام نوعی بسیط از فلک اعلی تا زمین، بعد از اجسام بسیط مرتبه صور نخستین است که بعد از ترکیب حادث می‌شوند مانند صور معادن و نظایر آن. بعد از معادن مرتبه نفوس نباتی است و بعد از نفوس نباتی، نفوس حیوانی است. با اختلاف مراتبی که دارند بعد از نفوس حیوانی مرتبه نفوس ناطقه مجرد از ماده است و آخرین مرتبه عقل مستفاد است که بر تمام صور موجودات مستقل است. پس به وسیله

عقل مستفاد هستی به مبدأی که از آن آغاز نمود بازگشت کرد و بعد از سقوط با سیر صعودی به مرتبه کمال خود می‌رسد.

در این کتاب در خصوص شناخت نفس و خداوند از منظر شیخ‌بهایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت ایشان در این باب عقیده‌ای متفاوت از حکماء داشته و عنوان می‌کند انسان توانایی شناخت خود را نداشته و بالطبع از شناخت خداوند نیز عاجز است. اگر بتوان خدا را شناخت فقط از راه الهیات تنزهی بوده و صفات خداوند را فقط از راه سلب می‌شناسیم. به این صورت که هر آنچه انسان در خود می‌یابد، به خداوند نسبت می‌دهد با این تفاوت که تمام نقص و عیب‌ها را از آن سلب می‌کنیم. این نظر کاملاً متغایر با نظر حکماء مسلمان بوده و آن‌ها قائل به الهیات ایجابی هستند نه سلبی. شیخ‌بهایی که قبل از معاصر و استاد ملاصدرا بوده و بر این اساس با نظرات بدیع بدیع او آشنا نبوده و مبنای حکمت شیخ در فلسفه بیشتر بر نظام مشایی استوار است. البته در بعضی اوقات نظرات شیخ اشراق را بر نظرات مشاء ترجیح می‌دهد.



# فصل اول

## زندگینامه شیخ بهائی



## ۱-۱. نام و کنیه شیخ بهائی

شیخ‌الفقها، استاد‌الحکما، رئیس‌الادبا، علامه شیخ‌الاسلام و المسلمین، محمد بن‌العلّامه عز‌الدین شیخ حسین بن عبدالصمد بن شمس‌الدین محمد بن علی بن حسن یا حسین بن محمد بن صالح حارثی همدانی جبعی عاملی، معروف به شیخ‌بهائی می‌باشد. او فقیهی اصولی، محدث رجالی، مفسر ریاض‌العلماء، حکیم متکلم، ادیب و شاعری توانا بود.

## ۱-۲. ولادت شیخ بهائی

بهاء‌الدین در غروب چهارشنبه بیست و هفتم ذی‌الحجه نهصد و پنجاه و سه هجری قمری در شهر تاریخی بعلبک متولد شد این شهر در ازمه گذشته مرکز تمدن‌های یونانی و رومی بوده و در سال هشتصد و سه هجری قمری مورد هجوم و یورش لشگریان تیمور گورکان قرار گرفته و اکنون جزء کشور لبنان است.<sup>۱</sup>

---

۱. شیخ‌بهائی، کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهائی، ص ۱۵.

### ۱-۳. مهاجرت شیخ بهائی

شیخ حسین - پدر شیخ بهائی - از بزرگان علم و ادب، در فقه و حدیث استادی توانا و در شعر و ادب از کمال بالایی برخوردار بود و همچنین در علم ریاض العلماء دارای مهارت خاصی بود. شیخ حسین در دوران کودکی شیخ- بهائی به ایران مهاجرت کرد و وارد اصفهان شد. صاحب لؤلؤ البحرین ورود شیخ بهائی را به ایران در سن هفت سالگی نقل می‌کند. علت مهاجرت شیخ حسین را نوشته‌اند ولی می‌دانیم که نامبرده از شاگردان خاص شهید ثانی بود و استاد و شاگرد بسیار به هم علاقه داشتند و از آنجا که شهید ثانی را به شهادت رسید و از طرفی نیز نابسامانی و محدودیت‌های مذهبی که از ناحیه فرمانداران متعصب عثمانی در آن منطقه ایجاد شده بود، سبب گردید که شیخ حسین به عراق و بعد به ایران مهاجرت کند.

او پس از ورود به ایران، به واسطه جامعیت و کمال در علوم، مورد توجه و عنایت شاه طهماسب قرار گرفته و مدتی به اصرار شاه، ملازم او بود. شاه طهماسب مردی دین دار و آراسته به فضائل بود او مقدم شیخ را گرامی داشت و منصب شیخ الاسلامی دارالسلطنه قزوین را به وی واگذار کرد. شیخ هفت سال در قزوین بدین سمت باقی ماند و بعد به مشهد مشرف و بعد از آن به هرات روانه شد. شیخ حسین مدت‌ها در هرات به وظایف روحانی اشتغال داشت آن‌گاه از شاه برای خود و فرزندش شیخ بهاء‌الدین که طی سفر به ایران در معیت پدر بود، اجازه سفر به حجاز را طلب کرد. شاه طهماسب تنها به وی اجازه فرمود و بهاء‌الدین را به جای پدر گماشت و به وظایف وی برقرار ساخت.